ناصر ایمانی، تحلیلگر مسائل سیاسی؛

ورود قالیباف به مجلس یعنی خداحافظ انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

سرویس سیاسی–این تحلیلگر مسائل سیاسی گفت: اینکه آقای قالیباف چند دوره در پارلمان می ماند قابل پیش بینی نیست. معتقدم آقای قالیباف حتما کل دوره یازدهم را در پارلمان می ماند و بعد از آن باید وضعیت و شرایط کشور را دید.

ناصر ایمانی گفت: آقای قالیباف یک مدیر قوی در حوزه اجرایی تا الان بوده. جنس اداره مجلس خیلی اجرایی نیست اما مدیریت در آن نقش مهمی دارد. برای جمع کردن مجلس و نمایندگان و مطالبی که مطرح می شود. شاید واقعا مدیریت مجلس از مدیریت رئیس جمهور سخت تر باشد. چون رئیس جمهور مدیران منصوب خودش هستند ولی نمایندگان منصوب رئیس مجلس نیستند که بخواهند بنا به سلیقه رئیس مجلس رأی دهند یا موضع گیری کنند بنابراین کار رئیس مجلس سخت و پیچیده است.

وی افزود: البته پیش بینی می شود که آقای قالیباف می تواند به سرعت خودش را با معادلات مجلس تطبیق دهد. در مجموع به نظرم آقای قالیباف تصمیم درستی گرفت که وارد مجلس شد چون از قبل معلوم بود که اکثریت مجلس آینده در اختیار نیروهای ارزشی و اصولگرا قرار می گیرد اما از جریان اصولگرایی و ارزشی کسانی برای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی ثبت نام کردند که به لحاظ فهم مسائل سیاسی و امور اجرایی کشور کمتر در سطح آقای قالیباف بودند.

تحلیلگر مسائل سیاسی یادآور شد: از نقص های مهمی که الان در مجلس داریم این است که بعضا کسانی از حوزه های مختلف انتخاب می شوند که اساسا کار اجرایی نکردند یا تجربه مدیریت اجرایی کلان نداشتند. به همین دلیل از مسائل کلان کشور کمتر شناخت دارند. همین یک نقطه ضعف برای آنها محسوب می شود. آقای قالیباف چون تاکنون مدیریت کلان داشته، قاعدتا به مسائل کلان کشور بیشتر اشراف دارد بنابراین لازم بود خودش را در معرض این انتخاب قرار دهد و به مجلس بیاید.

وی افزود: آقای قالیباف با خصوصیات و توانایی هایی که دارد، در چند دوره گذشته تلاش کرد در پست ریاست جمهوری قرار بگیرد حالا در هر دوره به دلایلی نتوانست موفق شود، اگر او صبر می کرد برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ شاید باز هم نمی توانست موفق شود بنابراین او نمی توانست ظرفیت خود را در اختیار کشور بگذارد اما او برای انتخابات مجلس امکان رأی آوری در تهران داشت چون مردم تهران نسبت به او شناخت دارند بنابراین تصمیم گرفت این توان و تجربه کار اجرایی را به مجلس بیاورد.

ایمانی اظهار کرد: معتقدم آقای قالیباف رئیس مجلس می شود. او یکی از جدی ترین گزینه های ریاست محسوب می شود، البته ریاست او با اختلاف نظرها و چالش هایی همراه خواهد بود قطعا کسان دیگری کاندیدا می شوند ولی شانس آقای قالیباف برای ریاست مجلس از همه گزینه های دیگر به مراتب بیشتر است.

وی افزود: جنس ریاست آقای قالیباف بر مجلس خیلی شبیه به آقای لاریجانی و ناطق نوری خواهد بود. اولا اینکه آقای لاریجانی قبل از آنکه رئیس مجلس شود در فعالیت های اجرایی کشوری در حد بالا حضور داشت؛ او در دوره ای وزیر ارشاد بود، در دوره ای طولانی ریاست سازمان صداوسیما را بر عهده داشت و یک دوره ای هم دبیر شورای عالی امنیت ملی بود بنابراین از جهت کار اجرایی کردن به هم شباهت داشتند.

این تحلیگر مسائل سیاسی گفت: از یک جهت دیگری مشی آقای قالیباف فکر می کنم با آقای لاریجانی و آقای ناطق نوری بیشتر شباهت دارد او اهل تسامح، توجه به واقعیت های موجود صحنه، تنازل و نگاه به مصالح کلی کشور است ولی این خصوصیات در برخی افراد دیگر که ممکن است کاندیدای ریاست مجلس شوند کمتر مشاهده می شود.

وی درباره نوع رابطه جبهه پایداری با قالیباف بیان کرد: من امیدوارم نمایندگان همسو با جبهه پایداری در مجلس آینده مجلس جدی ایجاد نکنند. ولی دور از ذهن نیست که جبهه پایداری ریاست آقای قالیباف را نپذیرد و گزینه خودش را بخواهد در جایگاه ریاست قرار دهد.

این تحلیلگر مسائل سیاسی تأکید کرد: موضوع دیگری که توجه برخی تحلیلگران سیاسی را به خود جلب کرده این است که آیا آقای قالیباف بعد از یک سال ریاست بر مجلس وارد حوزه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ می شود یا آنکه از ورود به آن حوزه چشم می پوشد و روی اداره مجلس متمرکز می شود؟ من به شخص وقوع گزینه دوم را پیش بینی می کنم.

ایمانی یادآور شد: اگر شرایط سال ۱۴۰۰ مثل همین الان باشد او در مجلس می ماند چون ریاست مجلس بسیار اهمیت دارد در ثانی اگر آقای قالیباف رئیس مجلس بشود شاید مردم خیلی نپسندند کسی یک سال رئیس مجلس شود اما سال بعد خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری کند. این اتفاق وجهه عمومی خوبی ندارد؛ پس در نتیجه اگر آقای قالیباف رئیس مجلس شود تا پایان دوره یازدهم در پارلمان می ماند. مگر اینکه یکسری اتفاقات ویژه ای در کشور بیفتد که به شخص چنین پیش بینی ندارم. اما اینکه آقای قالیباف چند دوره در پارلمان می ماند قابل پیش بینی نیست. معتقدم آقای قالیباف حتما کل دوره یازدهم را در پارلمان می ماند و بعد از آن باید وضعیت و شرایط کشور را دید.

عضو هیئت تحقیق و تفحص از قاچاق کالا و ارز:

متاسفانه قاچاق کالا بیشتر از آمار دولت است

سرویس سیاسی–عضو هیئت تحقیق و تفحص از قاچاق کالا و ارز گفت: بررسی‌های هیئت تحقیق و تفحص نشان دهنده آن است که آمار قاچاق سالانه بیشتر از آمارهایی است که از سوی دولت مطرح می‌شود.

علی اکبر کریمی درباره آخرین وضعیت گزارش هیئت تحقیق و تفحص از قاچاق کالا و ارز، اظهار داشت: گزارش هیئت تحقیق و تفحص تهیه شده است اما دست‌های پنهان تمایل به انتشار این گزارش ندارند.

نماینده مردم اراک در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه مواردی در گزارش وجود دارد که به مذاق برخی دستگاه‌ها و مسئولان خوش نیامده است و آنان مانع قرائت آن در صحن علنی مجلس می‌شوند، ادامه داد: به عبارت دقیق‌تر، دستگاه‌های متخلف تلاش زیادی می‌کنند که این گزارش در مجلس قرائت نشود چرا که با قرائت گزارش تحقیق و تفحص از قاچاق کالا و ارز، تخلفات آنان برای همه محرز می‌شود.

وی با بیان اینکه این گزارش در نوبت بررسی در صحن علنی مجلس است، ادامه داد: به هیچ وجه قابل قبول نیست که این گزارش در مجلس قرائت نشود چرا که اعضای هیئت تحقیق و تفحص از قاچاق کالا و ارز تلاش زیادی برای تهیه این گزارش انجام دادند و باید این موضوع در صحن علنی مجلس هم مورد رسیدگی قرار گیرد.

عضو هیئت تحقیق و تفحص از قاچاق کالا و ارز بیان کرد: بررسی‌های هیئت تحقیق و تفحص نشان دهنده آن است که آمار قاچاق سالانه بیشتر از آمارهایی است که از سوی دولت مطرح می‌شود و یکی از دلایل بالا بودن آمار قاچاق این است که رئیس جمهور به مسئله قاچاق توجه ویژه ای ندارد و ستاد مبارزه با قاچاق کالا را کاملاً رها کرده است.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در گزارش هیئت تحقیق و تفحص از قاچاق کالا و ارز، عملکرد همه دستگاه‌ها به صورت مبسوط در این زمینه مشخص شده و معلوم است چه دستگاه‌هایی در این زمینه تخلف داشته‌اند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه مطالب این گزارش تا پایان سال ۹۶ جمع بندی شده است، تصریح کرد: این موضوع جز وظایف نظارتی مجلس و از سوی دیگر یکی از موانع جدی تولید کشور، قاچاق کالا و ارز است و بر این اساس باید تا پایان مجلس دهم در دستور کار صحن علنی قرار گیرد.

وی تاکید کرد: اگر گزارش هیئت تحقیق و تفحص از قاچاق کالا و ارز در مجلس دهم بررسی نشود، قطعاً یکی از اولویت‌هایی است که ما در مجلس یازدهم مورد بررسی قرار خواهیم داد تا از این طریق میزان قاچاق کالا و ارز کاهش یافته و با متخلفان آن برخورد جدی صورت گیرد.

ریاست در بهارستان

چه کسی جایگاه رئیس مجلس را ارتقاء داد؟

- از همان مجلس نخست که هاشمی‌رفسنجانی بر صندلی ریاست تکیه زد، شأن ریاست پارلمان به میزان ریاست یک قوه بالا رفت. خاطرات هاشمی‌رفسنجانی به‌خوبی گواه چنین نقشی است.

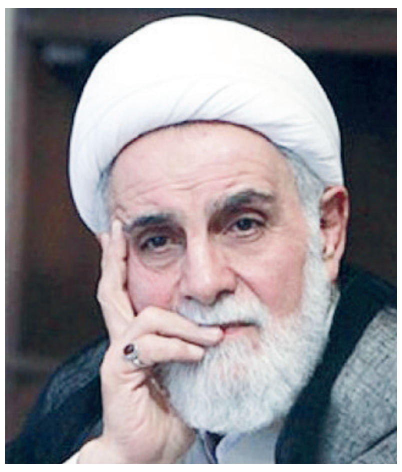

سرویس سیاسی- «آقای حدادعادل به آقای لاریجانی پیغام دادند در راستای وحدت اصولگرایان صلاح نیست من با شما رقابت کنم»؛ این پیام مخابره‌شده در مجلس نهم، چه از سر دغدغه واقعی وحدت بوده باشد و چه از سر آگاهی نسبت به نتیجه رقابت، ترسیم‌کننده وضعیتی است که این روزها در جریان اصولگرایی غایب است؛ جریانی که مدت‌های مدیدی است با بحرانی به نام «وحدت» و حب قدرت روبه‌رو شده و در بزنگاه‌ها به سختی و لطایف‌الحیل موفق به وفاق می‌شود؛ وفاقی که نه استراتژیک، بلکه تاکتیکی است و رقابت‌ها و حرف و سخن‌های بعدی نشان می‌دهد که تا چه اندازه این وحدت درون‌جریانی شکننده شده است. نمونه آن وضعیتی است که تا اینجای کار، حداقل پنج نفر برای ریاست صندلی بهارستان وارد گود رقابت شده و بعید نیست بر آن افزوده هم بشود.

چه کسی رئیس مجلس را رئیس یک قوه کرد؟

رئیس مجلس شورای اسلامی به وسیله رأی مستقیم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای یک دوره یک‌ساله انتخاب می‌شود و با توجه به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، تکرار دوره ریاست مجلس منع قانونی ندارد. رئیس مجلس همچنین رئیس هیئت‌رئیسه مجلس نیز هست. رئیس مجلس وظیفه اداره مجلس را بر عهده دارد و در صورت حضور نداشتن وی در جلسه، به ترتیب نایب اول و نایب دوم عهده‌دار این سمت خواهند بود. تا اینجای کار مشخص است که رئیس مجلس، رئیس یک قوه نیست، بلکه رئیس داخلی و گرداننده مجلس است و شأنی همسو با دیگر نمایندگان راه‌یافته به مجلس دارد؛ اما چه شد و چرا ریاست مجلس تا حد ریاست یک قوه و هم‌تراز با رؤسای جمهوری و قضائیه در اذهان بالا رفت تا جایی که این روزها چنین کشمکشی برای نشستن بر صندلی آن درگرفته است؟ پاسخ را باید در تاریخ جست‌وجو کرد و اینکه چهره‌هایی بر صندلی ریاست مجلس تکیه زدند که به واسطه شأن فردی، نقش و اثرگذاری سیاسی‌ای که در زمانه خود در عرصه بازی قدرت داشتند، به این صندلی وجاهتی بیش و پیش از آنچه باید بخشیدند. این شأنیت‌بخشی به‌جای اینکه به‌عنوان عاملی عرضی فهمیده شود، به عاملی ذاتی تبدیل شد و از آن زمان به بعد، شأن ریاست مجلس فارغ از اینکه چه کسی بر آن تکیه زده باشد، در حد رؤسای دو قوه دیگر بالا رفت. برای همین است که این صندلی این روزها می‌تواند برای برخی نقش دوپینگ سیاسی را بازی کند.

اما ماجرا از چه زمانی شروع شد؟ از همان مجلس نخست که هاشمی رفسنجانی بر صندلی ریاست تکیه زد، شأن ریاست پارلمان به میزان ریاست یک قوه بالا رفت. خاطرات هاشمی‌رفسنجانی به‌خوبی گواه چنین نقشی است؛ از میزان مراجعه‌های به او برای تعیین تکلیف‌ها تا حضورش در فرایندهای تصمیم‌ساز رسمی و غیررسمی، فراتر از یک شخصیت حقوقی. از سوی دیگر، رابطه نزدیک هاشمی‌رفسنجانی با امام و سیداحمد و همچنین جانشینی فرماندهی کل قوا، برای هاشمی امکان مانوری فراتر از یک رئیس مجلس در عرصه قدرت سیاسی و اجرائی فراهم می‌کرد؛ امکانی گاه فراتر از ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری. برای مثال، در ماجرای مک‌فارلین و ورود هیئت آمریکایی به تهران، این هاشمی‌رفسنجانی بود که از سوی مشاور امنیتی میرحسین در جریان چندوچون آن قرار می‌گیرد و سکان ماجرا تا آخر در دست هاشمی باقی می‌ماند. زمانی هم که قرار می‌شود در نماز جمعه ماجرا به اطلاع مردم برسد، امام این وظیفه را بر عهده هاشمی می‌گذارد. در مجلس خبرگان رهبری بعد از فوت امام خمینی هم با اینکه رئیس مجلس آیت‌الله مشکینی است، این هاشمی‌رفسنجانی است که در جایگاه رئیس نشسته و صحنه‌گردان است. شأن حقیقی هاشمی بود که جایگاه رئیس مجلس را فراتر از جایگاه قانونی–حقوقی‌اش برد و این تصور و توقع را ایجاد کرد که این صندلی، ذاتا چنین جایگاهی دارد. این نقش تأثیرگذار رئیس مجلس به واسطه شخصیت حقیقی فرد و نه حقوقی‌اش، در هیچ‌یک از رؤسای مجلس بعدی مشاهده نمی‌شود؛ حتی ناطق نوری و مهدی کروبی نیز وجاهت شخصیت حقیقی‌شان بر شأن حقوقی آنها در مسند ریاست بر مجلس اولی بود؛ اما اثرگذاری آنها در معادلات سیاسی در دوره ریاستشان بر مجلس، کمتر از دو چهره قبلی بوده است. علی لاریجانی با سه دوره، اکبر هاشمی‌رفسنجانی با دو دوره و نیم، علی‌اکبر ناطق‌نوری با دو دوره و کروبی و حدادعادل، به ترتیب با یک‌ونیم و یک دوره، در انتهای جدول رؤسای مجلس به لحاظ زمانی قرار دارند. اگر قرار شود الگوی انتخاب رئیس مجلس طبق روال دوره‌های پیشین ادامه پیدا کند، موجه‌ترین فرد برای نشستن بر این صندلی، چه کسی است.

رقابت‌های طبیعی

اولین رئیس مجلس نظام جمهوری اسلامی ایران که ۷ خرداد ۱۳۵۹ بر این کرسی تکیه زد، اکبر هاشمی‌رفسنجانی بود. با توجه به سوابق انقلابی و نزدیکی به امام(ره) و شناختی که نمایندگان مجلس اول از او داشتند و همچنین عضویت در شورای انقلاب به عنوان اولین رئیس مجلس بعد از انقلاب انتخاب شد. او در آن انتخابات، نفر اول تهران هم بود. هاشمی برای ریاست آن مجلس، ۱۹۶ رأی آورد و جدی‌ترین رقیبش با۱۴۶ رأی حسن حبیبی بود. بازرگان در مجلس اول تنها ۱۲ رأی برای صندلی ریاست کسب کرد. هاشمی برای ریاست بر مجالس دوم و سوم هم رقیبی نداشت. گرچه نهایتا هاشمی در خرداد ۱۳۶۸ پس از یک سال ریاست بر مجلس سوم به دلیل انتخاب‌شدن به عنوان رئیس‌جمهور، جای خود را به مهدی کروبی داد. مهدی کروبی هم از مبارزان انقلابی و روحانیون حزبی شناخته شده بود که در ادوار اول و دوم مجلس سابقه نمایندگی پارلمان را داشت و هم‌زمان رئیس بنیاد شهید نیز بود و با توجه به اینکه یکی از لیدرهای جناح چپ آن زمان به حساب می‌آمد، با داشتن سابقه نمایندگی ادوار مجلس و مدیریت یکی از نهادهای انقلابی توانست با فاصله زیاد از دیگر چهره‌های واردشده به مجلس سوم جانشین هاشمی به عنوان رئیس مجلس سوم شود. سومین نفری که به ریاست مجلس شورای اسلامی رسید باز هم یک روحانی و این بار از جناح مقابل کروبی یعنی از جناح راست بود. علی‌اکبر ناطق‌نوری که او هم مثل هاشمی و کروبی سابقه عضویت در جامعه روحانیت مبارز را داشت، مثل دو رئیس قبلی از مجلس اول در پارلمان حاضر بود و علاوه بر آن در دولت اول میرحسین موسوی وزیر کشور بود. در مجلس چهارم هم با وجود اینکه نفر اول انتخابات، سیدعلی‌اکبر موسوی‌حسینی بود، اما ناطق همچنان از او سیاسی‌تر و شناخته‌شده‌تر بود پس باز هم او رئیس مجلس شد. مجلس چهارم درواقع اولین مجلسی است که در آن برای رسیدن به ریاست مجلس رقابتی جدی در گرفت. در انتخاب هیئت‌رئیسه در اولین سال فعالیت مجلس چهارم، از یک‌سو علی‌اکبر ناطق‌نوری به عنوان نماینده جناح اکثریت (جناح راست) و از سوی دیگر نمایندگان طرفدار دولت هاشمی، حسن روحانی را به عنوان نامزد ریاست مجلس معرفی کردند. ناطق‌نوری توانست با ۱۹۱ رأی به عنوان رئیس انتخاب شود. ناطق‌نوری همچون مجلس چهارم در مجلس پنجم نیز با یک رقیب رقابت کرد. این‌بار او برای رسیدن به کرسی ریاست مجلس پنجم با عبدالله نوری نامزد جناح اقلیت (کارگزاران) به رقابت پرداخت. ناطق‌نوری در خاطرات خود در مورد این رقابت می‌نویسد: «وقتی آقای شیخ عبدالله نوری، قبل از وزیرشدن وارد مجلس پنجم شد، جناح اقلیت همه نیروهایش را برای اینکه ایشان رئیس شود، بسیج کرد. در انتخابات ریاست موقت مجلس، فاصله آرای ایشان و من بسیار کم بود، شاید ۱۰ تا ۱۵ رأی من بیشتر آوردم. در انتخابات دائمی رئیس مجلس هم ایشان کاندیدا شد، کارگزاران و جریان‌های طرف‌دار ایشان خیلی تلاش کردند تا رأی بیاورد، ولی این بار، فاصله آرای من با ایشان بیشتر شد. سپس به عنوان وزیر در دولت آقای خاتمی، معرفی شد و رأی آورد. هر چند مجلس مخالف وی بود، ولی به خاطر مصالح مملکت که خارجی‌ها نگویند چوب لای چرخ دولت جدید می گذارند، علی‌رغم میل خود به وی رأی دادند». در جریان این رقابت ناطق‌نوری توانست ۱۴۶ رأی به خود اختصاص دهد و به ریاست مجلس برسد. عبدالله نوری در این رقابت ۹۲ رأی را به خود اختصاص داد. در مجلس ششم با وجود اینکه محمدرضا خاتمی با یک میلیون و ۲۲۶ هزار و ۴۱۸ رأی به عنوان نفر اول تهران انتخاب شد، اما این مهدی کروبی بود که با داشتن سابقه نمایندگی و السابقون‌بودنش در عرصه سیاست بعد از انقلاب و مبارزه پیش از انقلاب و سه سال ریاستش بر مجلس سوم، یک بار دیگر هم در مجلس ششم رئیس شد. مهدی کروبی با ۱۹۳ رأی در مقابل ۸۰ رأی میرمحمدی به کرسی ریاست مجلس ششم تکیه زد. در مجلس اصولگرای هفتم غلامعلی حدادعادل به عنوان کسی که با ۸۸۸ هزار و ۲۷۶ رأی، نفر اول تهران شده بود به ریاست این مجلس با اکثریت اصولگرا رسید در حالی که کسی مانند محمدرضا باهنر هم بود که سابقه نمایندگی‌اش بسیار بیشتر از حداد بود که تا آن زمان فقط سابقه نمایندگی مجلس ششم را داشت اما به دلایلی این حدادعادل بود که رئیس شد و از آن زمان به بعد هم در نقش زعیم پشت پرده و گاه حتی علنی، نقش ایفا کرده است.

حضور علی لاریجانی در مجلس هشتم باعث شد حدادعادل، رئیس مجلس هفتم، با یک رقیب جدی روبه‌رو شود. حضور این دو باعث شد اصولگرایان به این نتیجه برسند که قبل از تشکیل اولین جلسه مجلس، در فراکسیونی با حضور اکثریت نمایندگان اصولگرا از بین دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی و رئیس دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، یک نفر را به عنوان رئیس انتخاب کنند. آنها تصمیم گرفته بودند هر کسی در این جلسه رأی آورد، به عنوان رئیس قطعی در انتخابات ریاست مجلس نامزد شود. در این جلسه لاریجانی ۱۶۱ رأی آورد و حداد ۵۰ رأی را به خود اختصاص داد. فاصله بسیار زیاد بود و به این ترتیب حدادعادل تنها رئیس مجلسی شد که یک دوره بر کرسی ریاست پارلمان تکیه زده است.

رقابت‌های غیرطبیعی

علی لاریجانی در مجلس هشتم بدون آنکه سابقه نمایندگی مجلس را داشته باشد، با ۲۳۹ هزار و ۴۳۶ رأی به عنوان نماینده مردم قم راهی مجلس هشتم شد و با وجود اینکه حدادعادل در آن دوره با ۸۴۴ هزار و ۲۳۰ رأی به عنوان نفر اول تهران و رئیس مجلس هفتم در آن مجلس حضور داشت، این لاریجانی بود که توانست به ریاست مجلس هشتم برسد. لاریجانی سابقه ریاست بر یک وزارتخانه و یک رسانه ملی و شورای عالی امنیت ملی را در چنته داشت. همین گذشته بود که باعث شد لاریجانی سه دوره رئیس مجلس بماند و حتی در مجلس دهم نیمه‌اصلاح‌طلب، محمدرضا عارف رئیس فراکسیون امید را پشت سر بگذارد.

بااین حال رقابت جدی درون گروهی – جریانی از همین دوره مجلس هشتم بین اصولگرایان شروع شد، گرچه پتانسیل چنین رقابتی قبلا در مجلس هفتم هم دیده شده بود که در مقایسه با مجلس هشتم و یازدهم شاید بتوان نام آن را یک رقابت صوری برای خالی‌نبودن عریضه گذاشت. در مجلس هفتم دو نامزد اصولگرا یعنی حدادعادل و حسن سبحانی برای کسب ریاست مجلس رقابت کردند که حدادعادل نماینده تهران توانست ۱۹۶ رأی را به خود اختصاص دهد و سبحانی نیز ۵۵ رأی کسب کرد. حدادعادل چهار سال بر این کرسی تکیه زد. حضور علی لاریجانی در مجلس هشتم باعث شد حدادعادل، رئیس مجلس هفتم، با یک رقیب جدی روبه‌رو شود. حضور این دو باعث شد اصولگرایان به این نتیجه برسند که قبل از تشکیل اولین جلسه مجلس، در فراکسیونی با حضور اکثریت نمایندگان اصولگرا از بین دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی و رئیس دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، یک نفر را به‌عنوان رئیس انتخاب کنند. آنها تصمیم گرفته بودند هر کسی در این جلسه رأی آورد، به‌عنوان رئیس قطعی در انتخابات ریاست مجلس نامزد شود. در این جلسه لاریجانی ۱۶۱ رأی آورد و حداد ۵۰ رأی را به خود اختصاص داد. فاصله بسیار زیاد بود و به این ترتیب حدادعادل تنها رئیس مجلسی شد که یک دوره بر کرسی ریاست پارلمان تکیه زده است.

سال ۸۹ غلامعلی حدادعادل، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هشتم و رئیس مجلس هفتم، در جمع خبرنگاران گفت برنامه‌ای برای کاندیداتوری ریاست مجلس ندارد. این اظهارنظر حدادعادل در پی آن بود که برخی نمایندگان حامی دولت، بحث کنارگذاشتن علی لاریجانی از ریاست مجلس یا حداقل برکناری او از ریاست فراکسیون اصولگرایان را زمزمه کردند. ریاست توأمان علی لاریجانی بر مجلس و فراکسیون اصولگرایان مجلس، به‌هیچ‌وجه مورد رضایت نمایندگان فراکسیون انقلاب اسلامی نبود؛ یعنی فراکسیونی که محل تجمع نمایندگان حامی احمدی‌نژاد بود؛ آنها سال ۸۸ یعنی سال دوم مجلس هشتم نیز تلاش بسیاری کردند تا مانع از ریاست مجدد لاریجانی بر فراکسیون اکثریت مجلس شوند؛ اما تلاش‌های آنها منجر به نتیجه دلخواه نشد. این طیف از نمایندگان مجلس ابتدا سعی کردند حدادعادل را مجاب به رقابت با لاریجانی کنند؛ اما با نپذیرفتن حدادعادل، این مرتضی آقاتهرانی بود که عزم رقابت با لاریجانی کرد و در نهایت با اخذ آرایی اندک نتوانست جایگزین رئیس مجلس در ریاست فراکسیون اصولگرایان شود. آقاتهرانی، دبیر کل فعلی جبهه پایداری و از گزینه‌های احتمالی ریاست مجلس یازدهم و رقیب قالیباف، آن سال‌ها در توصیه‌ای به لاریجانی گفته بود: «از میان ریاست مجلس و ریاست فراکسیون اصولگرایان یکی را انتخاب کن».

رقابت لاریجانی و حدادعادل بر سر ریاست مجلس نهم، در واقع ادامه رقابت جبهه متحد اصولگرایان و جبهه پایداری بر سر تفوق در فضای سیاسی کشور بود؛ اما این رقابت با مجلس هشتم یک تفاوت بزرگ داشت و آن‌هم اینکه این بار دو رقیب، رقابت را به صحن علنی مجلس کشاندند. لاریجانی به‌عنوان رئیس فراکسیون رهروان ولایت و حدادعادل به‌عنوان رئیس فراکسیون اصولگرایان در صحن علنی مجلس نهم هم بر سر کرسی ریاست موقت و هم ریاست دائم با هم به رقابت پرداختند. انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس نهم در اولین سال رقابت چندان برای لاریجانی آرام و سهل نبود، تخریب‌ها و جوسازی‌های شکل گرفته علیه او که گاهی او را در ردیف ساکتین فتنه قرار می‌داد و نزدیک‌شدن پایداری‌های مجلس و نواصولگرایان ایثارگرایانی و رهپویانی به هم، رسیدن به کرسی ریاست مجلس را برای او دشوار کرده بود؛ اما لاریجانی در اولین گام از حضورش در فراکسیون رهروان ولایت را با همراهی تعداد زیادی از نمایندگان تشکیل داد تا این بار تشکیلاتی محکم در مجلس را همراه خود کند و در نهایت به پشتوانه حمایت همین فراکسیون نیز توانست در رقابت با غلامعلی حدادعادل و فراکسیون اصولگرایان که ریاستش با حداد بود با رأیی بالا ریاست خود بر مجلس را در دور نهم نیز تثبیت کند. در جریان این رقابت درون‌اصولگرایی علی لاریجانی ۱۷۷ رأی را به خود اختصاص داد و طرفداران حدادعادل نیز ۸۹ رأی را به گلدان او انداختند. این کشاکش در هر دو دوره مجلس هشتم و نهم، هر سال حتی به‌صورت ضمنی و در فضای رسانه‌ای در موعد انتخاب هیئت‌رئیسه به نحوی تکرار می‌شد. حامیان حدادعادل و فراکسیون اصولگرایان بی‌تمایل به انتخاب مجدد حدادعادل نبودند، تاجایی‌که در سال آخر مجلس نهم، سایت نزدیک به غلامعلی حدادعادل به حامیان علی لاریجانی هشدار داد که: «چندی است رسانه‌های حامی رئیس مجلس، خط خبری واحدی را کلید زده‌اند که گویی رقابتی سنگین میان علی لاریجانی و غلامعلی حدادعادل برای تکیه بر کرسی ریاست مجلس در گرفته است... این سؤال به‌طور جدی مطرح است که رقابت در دو سال پایانی عمر مجلس با فردی که شش سال گذشته را در کسوت ریاست بهارستان به سر برده، چه دستاورد خاصی را می‌تواند برای ادیب سیاست‌مدار به‌همراه داشته باشد؟ به نظر می‌رسد نه‌تنها وجود چنین رقابتی اساسا توهمی بیش نباشد، بلکه در واقع می‌توان از نوع آرایش رسانه‌ای صورت گرفته به این نتیجه رسید که هواداران لاریجانی و حتی شاید خود او بیش از هر چیز نگران ادامه حضورش بر صدر کرسی‌های بهارستان هستند».

مصطفی‌هاشمی‌طبا:

روحانی همچنان با مردم حرف نمی‌زند

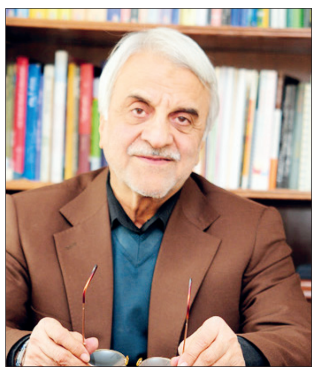

سرویس سیاسی- مصطفی هاشمی طبا گفت: آقای روحانی همچنان با مردم سخن نمی گوید و اینطور حرف زدن هم خاصیت ندارد زیرا همجمه‌ها از علیه وی خیلی قوی است.

حسن روحانی این روزها از آن سوی بام افتاده است. تا همین چند وقت قبل اصلی‌ترین نقد وارد بر او این بود که در بزنگاه‌ها نیست و با مردم سخن نمی گوید. شایعاتی نیز درباره عدم وقت دادن او به وزار و عدم حضور در جلسات شوراهایی مثل شورای انقلاب فرهنگی وجود داشت. در واقع تصور عموم از روحانی رئیس جمهوری بود که در برج عاج خود نشسته و اداره امور را به چند وزیر خود واگذار کرده است.

مقاومت وی در برابر پذیرش ریاست ستاد مقابله با کرونا و رویه وی در روزهای اول مقابله با این ویروس هم موید این تصور بود. از یک جای کار به بعد اما آقای روحانی تغییر رویه داد. حالا دیگر هر روز حرف می‌زند. جلسه هیات دولت نباشد، جلسه ستاد مقابله با کرونا؛ آنقدر حرف می‌زند که دیگر خواندن متن سخنانش لطفی دارد و جناب رئیس جمهور رسما به تکرار افتاده است.

تغییر استراتژی او شاید بتواند نتایج خوبی برای وی و دولتش به ارمغان آورد. بالاخره سخنرانی بدون تکه‌پرانی به مسئولان و نهادهای دیگر و مخاطب قرار دادن مردم شیوه‌ای است که قبلا خاصه در دوران احمدی‌نژاد آزموده شده و اتفاقا جواب هم داده است. نکته اینجا است که تکرر سخنرانی‌های رئیس جمهور از نظر برخی سیاسیون و کارشناسان نشانه تغییر رویه نیست. این گروه معتقدند که زیاد حرف زدن به معنی درست عمل کردن نیست و نتیجه خنثی کردن هجمه‌های موجود علیه دولت نیست.

سید مصطفی هاشمی طبا، فعال سیاسی و رقیب انتخاباتی روحانی در سال ۹۶ از جمله همین افراد است. او در گفت‌وگو با «نامه نیوز» گفت: «به نظر من آقای روحانی همچنان با مردم صحبت نمی‌کند. بیشتر راجع به مسائل کلی موضع گیری می‌کند و حرف میزند. تعدد صحبت‌کردن‌ها هم بیشتر به خاطر این است که مسائلی پیش آمده است. مثلا این مساله گزارش دیوان محاسبات که پیش آمد باید صحبت می‌کردند اما باز هم خیلی دقیق صحبت نکردند. به نظر من که هنوز تغییر رویه‌ای نداده است».

وی افزود: «در روزهای گذشته آقای روحانی حسب ضرورت بیش از گذشته صحبت کرده است اما همچنان در جلسات دولت یا جلسه ستاد مقابله با کرونا صحبت می‌کند. در واقع مخاطب او مردم نیستند و بیشتر با همکاران خود صحبت می‌کنند».

هاشمی طبا در پاسخ به اینکه تغییر رویه و سخن گفتن با مردم در این مقطع چقدر لازم است؟ گفت: «توجه داشته باشید که اولا نوع حرف زدن با مردم با حرف زدن رسمی فرق دارد. باید با مردم تحلیلی‌تر، آرام‌تر و دقیق‌تر صحبت کرد اما آقای روحانی رویه خاص خود را دارد و خیلی هم تغییر رویه نداده است. ضمن اینکه هجمه‌ها علیه روحانی به قدری است که با چند سخنرانی قابل خنثی کردن نیست. آن رویه‌ها خیلی قوی است و روحانی هم با آن رویه پاسخ درستی به آن نمی‌دهد. مثلا در همین موضوع گم شدن ارز که دیوان محاسبات مطرح کرد، ایشان گفت که صد در صد غلط است. بعد که آقای همتی توضیح داد معلوم شد که صد در صدغلط نبوده و مثلا شصت درصد غلط بوده است.»

وی تاکید کرد: «اینطور صحبت کردن فایده ندارد. باید حرفی زد که درست بودن آن ثابت شود. در غیر این صورت نتیجه عکس خواهد داد. مثلا خوب بود که آقای رئیس جمهور در قضیه اخیر می گفت که گزارش دیوان محاسبات بعضا درست بوده یا بعضا درست نبوده و یا اینکه آقای همتی پاسخ خواهد داد. اما ما دیدیم که ایشان گفت کاملا غلط است و بعد در توضیحات آقای همتی دیدیم که گفت موضوع چند صد میلیون دلار معلوم نیست و بخشی را هم گفت که کیفری کردیم. در واقع معلوم شد که گزارش دیوان محاسبات صد درصد غلط نبوده است و اینطوری صحبت کردن خیلی خاصیت ندارد».

وی خاطر نشان کرد: «آقای روحانی هر کاری هم کند که قادر به خنثی کردن هجمه‌ها علیه خود نیست زیرا گروه‌هایی در داخل و خارج کشور علیه او هجمه می‌کنند و قوی هم هستند. راه خنثی کردن این هجمه‌ها صحبت دقیق‌تر با مردم است و باید به اصطلاح دل بدهد و دل بگیرد».

منتخب مجلس جدید:

چهار احمدی نژادی مدعی پست ریاست مجلس هستند

سرویس سیاسی–سیدناصر موسوی لارگانی گفت: تا آنجا که اطلاع دارم قرار است فراکسیون «نمایندگان انقلابی و اصولگرا» تشکیل شود. هر تصمیمی آن فراکسیون بگیرد، همان برای انتخاب هیأت رئیسه در صحن علنی مجلس ملاک خواهد بود.

رایزنی برای تعیین هیأت رئیسه مجلس آینده جدی‌تر شده است و نامزدهای اصلی برای تصدی کرسی ریاست، بیشتر و علنی‌تر به فعالیت می پردازند. قرار است اولین عیارسنجی جدی روز یکم اردیبهشت ماه کلید بخورد و هر کدام از مدعیان ریاست وزن خود را بشناسند. سیدناصر موسوی لارگانی با بیان اینکه دعوت روز یکم اردیبهشت ماه از سوی حدادعادل انجام شده، گفت: البته برگزاری مراسم منوط به کسب موجوز از ستاد مقابله با کروناست.

مشروح گفتگوی سیدناصر موسوی لارگانی نماینده منتخب مردم فلاورجان در مجلس یازدهم را در ادامه بخوانید.

نامه ای با امضای آقای حدادعادل برای منتخبان مجلس یازدهم ارسال شد که در این هفته همگی دور هم جمع شوند و برای انتخاب هیأت رئیسه آینده رایزنی کنند، چقدر نتیجه این نشست می تواند به هدف ترسیمی آن نزدیک باشد؟

دعوت نامه آقای حدادعادل برای گردهمایی منتخبان در روز یکم اردیبهشت، از طریق پیامک ارسال شد. البته بعد ظهر روز شنبه ۳۰ فروردین دوباره پیامکی فرستادند مبنی بر اینکه «ستاد مبارزه با کرونا مجوز برگزاری جلسه را نداده است بنابراین هر وقت مجوز برگزاری نشست صادر شد تاریخ و زمان جلسه اعلام می شود».

نکته دیگر آنکه در پیامک ارسالی به موضوع تعیین ترکیب هیأت رئیسه مجلس اشاره نشده بود. حالا هر زمان که جلسه منتخبان برگزار شود شاید بزرگان بخواهند سخنان را درباره مجلس آینده بیان کنند. البته برخی منتخبان دنبال تصدی کرسی های مختلف هیأت رئیسه به ویژه صندلی ریاست هستند، بر همین اساس جلساتی را برگزار کردند.

تا آنجا که اطلاع دارم قرار است فراکسیون «نمایندگان انقلابی و اصولگرا» تشکیل شود. هر تصمیمی آن فراکسیون بگیرد، همان برای انتخاب هیأت رئیسه در صحن علنی مجلس ملاک خواهد بود.

اصلاح طلبانی که به مجلس آینده راه پیدا کردند چند نفر هستند و به سمت حمایت از ریاست کدام شخصیت اصولگرا متمایل خواهند شد؟

اصلاح طلبان و مستقلان مجلس آینده در مجموع کمتر از ۵۰ نفر است و چون جمعی عمل نمی کنند نمی توانند در انتخابات هیأت رئیسه سرنوشت‌ساز باشند. به عبارت دیگر چون همه اصلاح طلبان و مستقل ها با یکدیگر هم نظر نیستند، برخی به سمت آقای قالیباف، برخی با آقای نیکزاد، برخی متمایل به آقای حاجی بابایی و دیگر گزینه ها هستند. حتی امروز خود نمایندگان اصولگرا نیز تصمیم قاطع برای اینکه به چه کسی رأی دهند، نگرفتند.

برخی می گویند آقای حداد عادل برای ریاست آقای قالیباف رایزنی می کند، این ادعا چقدر صحت دارد؟

من اطلاعی ندارم چون تا حالا جلسه ای با آقای حداد نداشتم، حتی بعد از انتخابات با آقای قالیباف نشستی نداشتم.

ریاست آقای قالیباف در مجلس آینده قطعی شده است؟

۴ گزینه برای کسب کرسی ریاست بیشتر مطرح هستند، در بین اینها گزینه ای که احتمال رأی آوری دارد آقای قالیباف است.

رقیب جدی آقای قالیباف کیست؟

همه مدعی اند. آقای زاکانی، حاجی بابایی، نیکزاد، فریدون عباسی و دکتر حسینی وزیر اسبق اقتصاد همه در حال رایزنی و فعالیت هستند. اول باید یک جلسه جمعی برگزار و نظرخواهی ضمنی انجام شود تا بتوان بهتر اعلام نظر کرد که چه کسی رقیب جدی آقای قالیباف است.

اقتصاد کیش روزنامه

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹